

تقابل حجاب و غریزه

حجت‌الاسلام دکتر حسین بستان

یکم: حجاب کدام آزادی را محدود می‌کند؟ اگر می‌گوییم حجاب برای زنان و دختران لازم است، آیا به معنای این است که آزادی آنان را محدود کرده‌ایم؟ آیا حجاب مانعی برای آزادی است؟ اگر چنین است، محدودیت حجاب در چه مقوله‌ای است؟ حجاب، آزادی اندیشه را محدود می‌کند یا آزادی احساس و فعالیت اجتماعی را؟ یا آزادی غرایز را؟ اگر با انصاف باشید، اعتراف خواهید کرد حجاب، آزادی اندیشه را محدود نمی‌کند. و شاید به عبارتی آن را رشد دهد و عاملی شود برای تبادل آزادتر اندیشه‌ها و رشد استعدادها. حجاب، آزادی فعالیت اجتماعی را نیز محدود نمی‌کند. چه بسیار بانوان محجبه و عفیفی که در رده‌های بالا و مسئولیت‌های مهم اجتماعی و مدارج عالی تحصیل — حتی در محیط‌های مردانه — حجابشان را حفظ می‌کنند و آزادانه — چون مردان «به فعالیت مشغولند. پس حجاب کدام آزادی را محدود می‌سازد؟ صراحتاً باید بگوییم آزادی غریزه را! و آن هم غریزه جنسی! در این جا منظور از محدودیت، سرکوب نیست چرا که سرکوب این غریزه، خطرات و صدمات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.^۱

دوم: اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.^۲ امام خمینی(ره) می‌فرماید: «چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند اسلام آمده است که فقط زن را خانه‌نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن چون مرد در تمام این‌ها آزاد است؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد، بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد.»^۳

سوم: متأسفانه امروز برهنگی در جامعه جهانی تئوریزه می‌شود و زنان به فحشا تشویق و تربیت می‌شوند، زن، موجود شریفی را که مظهر جمال و امانت خداوند است را از حریم الهی بیرون می‌کشند و او را تبدیل می‌کنند به کالای «صنعت پورن» که باید خدمات جنسی به مردان هرزه و وحشی خیابانی بدهد. زن به طور رسمی در کنار آب‌جو فروخته می‌شود، ابزار تفریح و تبلیغ برای کالاهای سرمایه‌داری می‌شود و به عنوان دفاع از حقوق و آزادی زن، کثیف‌ترین جسارت‌ها و اهانت‌ها به حقوق زن صورت می‌گیرد تا خود زن کم‌کم قبول کند که تو فقط جنس

۱. زهرا زواریان، *رایحه نجابت*، ص ۱۹ و ۲۰.

۲. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۹، ص ۴۴۷.

۳. صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۰۳ و ۱۰۴؛ برگرفته از: *مجله ققه*، ش ۵۱ و ۵۲، ص ۱.

مؤنثی، فقط زنانگی و هویت جنسی تو مهم است، نه هویت انسانی تو و جامعه تو را فقط به عنوان یک مادینه و مؤنث به رسمیت می شناسد و همین که کم کم هویت جنسی ات برایم از بین برود، دیگر برایم ارزش انسانی نخواهی داشت. این پیام برهنگی اجتماعی است. پیام حجاب برای زنان عالم در این است که من انسانم و اگر هویت جنسی دارم، تنها برای همسرم دارم، درست برخلاف آنچه در جوامع برهنه تبیین می شود و زن را برای همه مردان جامعه می پندارد.^۴

چهارم: دکتر الهه رستمی، استاد دانشکده مطالعات شرق شناسی و آفریقایی دانشگاه لندن، درباره اجباری شدن حجاب بعد از انقلاب می نویسد: «به رغم مخالفت برخی زنان در سال های ۱۳۵۹ — ۱۳۵۷ علیه حجاب اجباری، بسیاری آن را قبول و تعدادی نیز از آن استقبال کردند. زنان طبقه متوسط و سکولار اعتراض هایی می کردند ولی چون در امنیت مالی بودند یا به دلیل آن که وضع مالی بهتری داشتند و محدودیت های خانوادگی کمتر بر آنان اعمال می شد، خود را با آخرین مدهای روز از نظر مدل و رنگ مطابقت می دادند؛ هرچند در محل کار خود مجبور بودند اونیفورم (لباس رسمی و متحدالشکل) روپوش و مقنعه را بپوشند. برای نگارنده بسیار جالب بود وقتی از آنان می شنید که به رغم مخالف بودن با حجاب اسلامی، استفاده از این اونیفورم را راحت و مفید می دانستند. آنان عقیده داشتند این پوشش کج اندیشی های جنسیت گرایانه را کاهش داده بود.» همچنین ایشان در کتاب خود به نقل از یک خانم اشاره می کند: «زهره مدیر یک لابراتوار شیمی توضیح می دهد: «من پوشیدن حجاب اسلامی را دوست ندارم. این اونیفورم زشت است و من از این که باید این را بپوشم ناراحتم ولی چون مردان نمی توانند جلوی امیال جنسی شان را بگیرند و به زنان به چشم عامل جنسی نگاه می کنند، چاره دیگری جز قبول این حقیقت ناگوار در جامعه نداشتیم. دقیقاً به همین دلیل سر تا پایم را می پوشانم و تجربه به من نشان داده که در این حالت بیشتر مورد احترام هستم تا در سیستم قبلی. الآن آنان مرا به عنوان محقق نگاه می کنند ولی قبلاً به چشم یک عامل جنسی به من نگاه می کردند.»^۵

۴. حسن رحیم پور ازغدی، حجاب بهای عشق (گزیده ای از هشت سخنرانی ایشان در موضوع مسائل زن و حجاب)، تنظیم حامد قزوینی، ویژه نامه خاتون، ضمیمه رایگان روزنامه ایران، مرداد ماه ۱۳۹۰، ص ۷۸.

۵. الهه رستمی، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، ترجمه رویا رستمی، ص ۹۶ و ۹۷.